

نقش مؤلفه‌های کنش ارادی انسان در شکل‌گیری علوم انسانی

سید تقی موسوی*

مهدی جلالوند**

چکیده

کنش ارادی انسان، موضوع محوری علوم انسانی است. شناخت فرایند و ساختار این کنش و فهم نسبت آن با علوم انسانی، موجبات معرفت صحیح در علوم انسانی را فراهم می‌نماید. پژوهش حاضر بادقت در ساختار کنش ارادی انسان و کاوش در نظریه‌های ارائه شده در این زمینه، تلاش دارد تا به تبیین نسبت میان مؤلفه‌های کنش ارادی انسان و علوم انسانی بپردازد. نتایج این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی پی گرفته شده، نشان می‌دهد، انسان نتایج کنش‌های ارادی خود را به صورت تجاری خواهد داشت و با کثرت انباشت این تجارب و علوم، ضرورت انشعاب، انقسام و طبقه‌بندی آنها نمایان می‌شود. محتوای علوم انسانی، طیفی از علوم و تجارب حاصل از کنش‌های ارادی انسان هستند که در قالب انشعابات و رشته‌های علمی، طبقه‌بندی شده‌اند و تبیین ساختار و مؤلفه‌های کنش ارادی انسان، در فهم دقیق علوم انسانی و نسبت علوم مختلف در این حوزه و میزان تناسب با

* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه و مدرس فلسفه و کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران.
(hodhod@mihanmail.ir)

** استادیار گروه فلسفه، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

نیازهای انسان، تأثیرگذار بوده و به تلاش‌های علمی در این حوزه و توسعه دامنه علوم انسانی سرعت می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، کنش، فرایند فعل اختیاری، تقسیم علوم، ماهیت علوم.

بیان مسئله

شناخت طبیعت انسان، مقدمه مهمی در شناخت علوم انسانی است و شناخت ساختار کنش اختیاری انسان، به‌عنوان بعدی از ابعاد طبیعت انسان، می‌تواند یکی از مباحث بنیادی و تأثیرگذار در شناخت جنبه‌های مختلف علوم انسانی باشد که به تسلط علمی بر این شعبه از علوم، سرعت می‌بخشد؛ زیرا محور اصلی مباحث علوم انسانی، کنش و رفتار اختیاری انسان است. اهمیت این بحث زمانی دوچندان می‌شود که به تعبیر مقام معظم رهبری، علوم انسانی را به‌مثابه هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور دانسته و تحول بنیادین و اجتهادی آن را به‌عنوان مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی، امری ضروری بدانیم (khamenei.ir جستار، تحول و ارتقای علوم انسانی).

پژوهش‌هایی مربوط به جایگاه اختیار در عقل عملی و نظری (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۹۷؛ حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: ۹۴-۹۲؛ فخرالدین الرازی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۹؛ ج ۲: ۴-۳، شمس‌الدین الشهرزوری، ۱۳۸۳: ۵۲-۲۲)، مؤلفه‌های اختیار (شریفی، ۱۳۹۳: ۵۰؛ خسروپناه، پارسا، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۵؛ رفیعی آتانی، ۱۳۹۶؛ علی‌اصغر خندان، ۱۳۸۸: ۲۳)، انسان‌کنش‌شناسی و مبانی علوم انسانی (رک: حسینی، موسوی، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۰) و نقد علوم انسانی مدرن (زرشناس، ۱۳۹۵: ۷۳؛ بهار ۱۳۹۷: ۱۷-۱۹، ۳۸، ۴۶-۵۰، ۵۴، یامین پور، ۱۳۹۹: ۱۳۴-۱۳۶، فاضلی، فتوحی)، «بررسی فرایند تاریخی تثبیت علوم انسانی در ایران» به بحث اختیار و نقش کنش انسان در علوم انسانی اشاره داشته‌اند، لکن این پژوهش درصدد بحث از ساختار کنش ارادی انسان به‌عنوان مبنایی اصلی در تبیین ماهیت و نحوه ایجاد علوم انسانی است. البته آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله‌علیه ساختار برخی از علوم را بر مبنایی از خودشناسی بنا نموده (رک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۹-۱)، لکن تبیین همه مجموعه علوم انسانی با استفاده از ساختار کنش ارادی انسان، بحثی نو است.

پژوهش پیش‌رو، تلاش دارد تا ضمن بررسی نظرات مختلف در این زمینه و با روشی توصیفی - تحلیلی، با شناخت ساختار و مؤلفه‌های کنش ارادی انسان، نقش آن را در شکل‌گیری علوم

انسانی بکاود؛ از این رو بادقت در روند تولید علم، به انباشت تجارب حاصل از کنش ارادی انسان و ضرورت تقسیم و تخصیص و تشکیل علوم انسانی می‌پردازد.

۱. مفهوم‌شناسی علوم انسانی

تعاریف مختلفی برای علوم انسانی بیان شده است؛ برخی علوم انسانی را علوم اخلاقی به معنای علم به خلیقات دانسته‌اند و برخی از آن به علوم مربوط به روح، علوم مربوط به انسان، علوم دستوری یا هنجاری و علوم توصیف افکار نام برده‌اند؛ عده‌ای نیز علوم انسانی را مترادف با علوم اجتماعی و علوم تاریخی دانسته‌اند (ژولین، فروند، ۱۳۸۷: ۳-۴، خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۷). عده‌ای دیگر از اندیشمندان، از علوم انسانی به دانش‌هایی تعبیر کرده‌اند که به تبیین یا تفسیر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان می‌پردازند (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۰۴)؛ پوزیتیویست‌ها نیز آن را مرادف با انسان‌شناسی تجربی دانسته‌اند (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۸-۲۱) و برخی دیگر نیز علوم انسانی را چونان دایره‌المعارفی که بر هر نوع انسان‌شناسی اطلاق می‌شود، مجموعه‌ای از معارفی چون اقتصاد و جامعه‌شناسی و... دانسته‌اند (همان) و عده‌ای در تعریفی دیگر، علوم انسانی را مجموعه علمی دانسته‌اند که به نحوی روشمند، مسئولیت توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل کنش‌های فرد و اجتماع انسانی را برعهده دارد (رفیعی آتانی، ۱۳۹۶: ۲۱). از منظری دیگر، علوم انسانی به مجموعه‌ای سیستماتیک از مفاهیمی که تصویری اعتباری از شئون وجودی انسان مدرن و منطبق با ذات و صورت مثالی او ارائه می‌نماید، گفته شده و این تصویر اعتباری، وظیفه کنترل، اداره، مدیریت و تصرف در امور انسانی بشر جدید را به عهده دارد (زرشناس، ۱۳۹۷: ۳۶ و ۲۰).

از آنچه در تعریف علوم انسانی گذشت، می‌توان علوم انسانی را شامل همه علمی دانست که وظیفه شناخت، تربیت، هدایت و مدیریت کنش انسان در حوزه‌های مختلف را به عهده دارند؛ در نتیجه، موضوع علوم انسانی، کنش‌های انسان است (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۲، ۲۵۰؛ ۱۳۹۴: ۱۵؛ شریفی، ۱۳۹۳: ۷۱ و ۱۱۷-۱۱۹؛ خسروپناه و پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۱؛ زرشناس، ۱۳۹۵: ۲۱ و ۸۴؛ ۱۳۹۷: ۳۳ و ۳۸؛ ژولین و فروند، ۱۳۸۷: ۳؛ حسنی، موسوی، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰؛ رفیعی آتانی، ۱۳۹۸، فصل دوم؛ خسروپناه، ۱۳۹۹: ۴؛ زاهد، ۱۳۹۹: ۲۲۷-۲۲۸؛ فاضلی، ۱۳۹۷: ۱۶۰) و شناخت آن، شناختی بنیادی است.

۲. ساختار حرکت ارادی (اختیاری)

کنش ارادی انسان، منشأ تجارب او و علوم انسانی ناشی از آن است؛ لذا برای شناخت بهتر ساختار کنش ارادی انسان، شناخت فرایند حرکت اختیاری او، فهم تعامل میان اجزای این فرایند و درک تأثیرپذیری انسان در فرایند حرکت ارادی، ضروری می‌نماید؛ البته فرایند فعل ارادی انسان با علم حضوری نیز قابل دریافت است، لکن برای مستدل نمودن آن و اطمینان‌بخشی بیشتر به مخاطب، با استدلال‌های علمی نیز مستند خواهد شد.

۱.۲. فرایند حرکت اختیاری انسان

حرکت اختیاری انسان در چهار ساحت علم، میل، اراده و لذت یا الم، قابل بررسی است و شناخت ساختار فعل اختیاری در سایه توجه به ساحت علم، میل و اراده به دست می‌آید؛ بدین صورت که در ابتدای این فرایند، علم به وجود آمده و در نتیجه ایجاد آن، میل و گرایش و انگیزه شکل می‌گیرد و با شدت یافتن این میل و شوق، فعل ارادی انسان، محقق می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵۲؛ همو، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۸۸؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۸۰-۱۶۷؛ همان، ج ۲: ۲۵۳-۲۵۱؛ همان، ج ۴: ۱۱۳)؛ البته ممکن است برخی این سه مرحله را به مؤلفه‌های بیشتری تجزیه نمایند و با نام‌های مختلفی از آنها نام ببرند (رک: رفیعی آتانی، ۱۳۹۶: ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۳۵؛ شریفی، ۱۳۹۳: ۵۰؛ حسنی و موسوی، ۱۳۹۷: ۲۳)، لکن همه آنها در این سه مرحله قابل جمع است.

غایت افعال اختیاری انسان، چه افعال مربوط به جسم و چه افعال مربوط به روح، چه افعال مربوط به دنیا و چه افعال مربوط به آخرت، دستیابی به لذت یا دوری از رنج و الم است و برای رسیدن به ساختار فعل اختیاری انسان، چاره‌ای جز شناخت این لذت و الم نیست (رک: ابن‌سینا، ۱۳۶۴: ۷۷-۸۲؛ همو، ۱۳۸۳: ۹۹؛ همو، ۱۴۰۴: ۲۲؛ استرآبادی، ۱۳۵۸: ۲۴۴-۲۴۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵۶؛ همو، ۱۳۰۲: ۱۹۸؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۸: ۵۴-۵۸؛ خواجه نصیر طوسی، ۱۳۴۱: ۴۸۷-۴۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۷۹؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۴۹). از این رو می‌توان در سیر حرکت به سمت انجام فعل اختیاری، علم و شناخت را در ابتدای این سیر قرار داد و شناخت لذت و الم را نخستین گام در این فرایند دانست و پس از آن امیالی است که به واسطه و پس از شناخت‌های به دست آمده، ایجاد خواهند شد و این امیال، آنگاه که منجر به اراده انسان شوند، جلب لذاپذیر و

دفع آلام را در پی خواهند داشت؛ لذا بایستی علم و ادراکات، میل، اراده، جلب لذت و دفع ألم را چهار ساحت اصلی در ساختار فعل اختیاری انسان دانست.

۲.۲. چرخه فرآیندهای متداخل در افعال اختیاری

مؤلفه‌های افعال اختیاری انسان در حرکتی طولی، در یکدیگر اثرگذار بوده و نتیجه این تأثیر و تأثرات، شکل‌گیری چرخه فعالیت‌های افعال اختیاری انسان است؛ بدین صورت که ظهور و بروز افعال اختیاری انسان موجب شکل‌گیری شناخت‌های جدیدی شده و این شناخت‌های نو، سبب ایجاد امیال دیگری در انسان شده و امیال جدید شکل‌گرفته به همراهی اراده‌ای جدید، افعال اختیاری دیگری را شکل خواهند داد و این چرخه، مادامی که انسانیت انسان باقی باشد، به صورت سلسله‌وار همچنان ادامه یافته و نو به نو، افعال جدیدی را خلق نموده و معمولاً خلق افعال جدید، موجب شکل‌گیری شناخت‌های جدید خواهند بود (رک: مصباح یزدی، درس اخلاق، جلسه ۲۱: ۱۳۹۴/۰۲/۲۳، <http://mesbahyazdi.ir/node/5581>). این چرخه فرایندهای متداخل در افعال اختیاری انسان، نمایانگر مبنا بودن تجارب سابق در امیال و اراده‌های لاحق بوده و براین اساس می‌توان به توجیه و تبیین کارکرد علوم انسانی، به‌عنوان نتیجه تجارب سابق انسان پرداخت.

۲.۳. تأثیرپذیری انسان در فرایند فعل ارادی

علم و معرفت انسان و به‌تبع آن، امیال و افعال اختیاری او، متأثر از اموری قرار می‌گیرند؛ زیرا معرفت‌های حاصل شده برای انسان، تنها با اراده و اختیار او کسب نخواهند شد و بسیاری از ابزارها و منابع شناخت، از حیطة اختیار او خارج بوده و خواست و اراده انسان، تنها یکی از عوامل تأثیرگذار در علم‌اندوزی و کسب معرفت است. از طرفی عوامل خارجی تأثیرگذار بر هریک از مؤلفه‌های فعل ارادی انسان نیز می‌تواند بر چرخه یادشده تأثیر گذاشته و سبب تغییر در رفتارهای اختیاری انسان گردد. از این‌رو، نوع سازمان‌یافتگی ذهن و تغییرات ایجاد شده در آن، موجب تغییراتی در بینش و انگیزه و رفتار اختیاری انسان خواهد شد (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۶ و ۱۱۹-۱۱۶؛ همو، ۱۳۸۴: ۵۲؛ همو، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۶۷-۱۶۴؛ همو، ۱۳۹۴: ۲۴۲).

امیال انسان نیز متأثر از عوامل بیرونی، امکان رشد و یا سرکوبی را خواهند داشت؛ به‌عنوان مثال، مواجهه انسان با امر به معروف و تشویق و تحریض‌های انجام شده، سبب تحریک

امیال او و ایجاد رفتارهای بهینه خواهد شد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۴۲۲ و ۴۲۶). از این رو، وجود مراکز رشد و توسعه علوم انسانی و تألیف متون علمی متناسب با معرفت‌های مورد نیاز انسان در حرکت استکمالی او و وجود رسانه‌های جمعی برای تحریک عواطف و احساسات و شکل‌گیری امیال انسان در این مسیر، در زمره مهم‌ترین عواملی هستند که زمینه‌های رشد آگاهی و شناخت انسان و جهت‌دهی به امیال او برای صدور افعال اختیاری را فراهم می‌نمایند.

۴.۲. بررسی مؤلفه‌های کنش

بررسی مؤلفه‌های چهارگانه علم، میل، اراده و لذت و الم، به‌عنوان اجزاء و مؤلفه‌های کنش ارادی انسان و چگونگی تأثیر و تأثرات آنها بر یکدیگر، افق‌های روشن‌تری از بحث را در اختیار ما قرار خواهد داد و نوع نگاه به علوم انسانی را تبیین خواهد نمود که در ادامه به این موضوع پرداخته خواهد شد.

الف) علم: شناخت‌هایی که برای انسان حاصل می‌شود، با توجه به طریقی که به دست می‌آیند و ابزاری که برای کسب آنها به کار می‌رود به چهار نوع شناخت‌های حسی و تجربی، شناخت‌های وجدانی و درونی، شناخت‌های عقلی و استدلالی و شناخت‌های نقلی و گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌شوند (ر.ک به: جعفری، ۱۳۶۰: ۳۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۲۴۰ و ۲۴۳؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۵۹). همه این اقسام از علوم، در فرایند فعل اختیاری تأثیرگذار هستند و با توجه به حس‌گرایی افراطی در عصر حاضر، تأمل و تعمق در اقسام علوم و نحوه تأثیرگذاری آنها بر افعال، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بی‌گمان هرچه ارزش و اعتبار یک شناخت و معرفت به دست آمده، از نگاه مخاطب، بیشتر باشد، می‌تواند تأثیر بیشتری برای انجام فعل ارادی داشته و علاوه بر تحریک به انجام فعل، در انتخاب اصلح افعال نیز کمک نماید.

از طرفی نیز شاید بتوان برای انواع علم و معرفت مورد نیاز برای ایجاد میل در انسان، تقسیم دیگری از علوم نیز ارائه نمود؛ بدین صورت که در هر کنشی، متناسب با مؤلفه‌های فعل ارادی (علم، میل، اراده، لذت / الم)، انسان بایستی حداقل از سه مرتبه شناخت برخوردار باشد تا به ایجاد میل و گرایش در او منجر شود: شناخت وجود موضوع، شناخت لذت‌بخش بودن آن و علم به قدرت تحصیل آن؛ بدین معنا که در صورت وجود این مراتب شناخت، انگیزه و میل ایجاد شده و تشدید امیال به صدور اراده منجر خواهد شد. در صورتی که امکان انجام و انتخاب چند فعل در

اختیار انسان باشد، می‌توان معرفتی دیگر با عنوان معرفت به انتخاب اصلح را نیز به اقسام معرفت پیشین افزود؛ انتخابی که از بالاترین درجه لذت و کمترین درجه الم برخوردار باشد و در تشدید میل برای انتخاب و ارتکاب تأثیرگذار خواهد بود.

ب) میل: کنش انسانی معلول و محصول همه‌گرایش‌های اوست (رفیعی آتانی، ۱۳۹۸: ۱۵۱، ۲۸۷-۲۸۶، ۲۹۳)؛ آنگاه که علوم مختلف، سبب وجود امیال گوناگون در انسان شوند، در ضمن اختلاف و تعارض امیال، بهترین و قوی‌ترین میل به‌صورت فعل ارادی ظهور و بروز می‌یابد (ر.ک به: الجامی، ۱۳۵۸: ۱۹۵؛ قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۰۶-۷۰۵؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۱۴؛ صدرالدین شیرازی، بی‌تا: ۱۶۴؛ رفیعی آتانی، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۱۸ و ۱۵۲-۱۵۱). از آنجایی که انسان کمال‌طلب، همواره به دنبال بهترین و کامل‌ترین امور است، در امیال نیز بهترین میل را پسندیده و اراده خود را مصروف آن می‌دارد؛ البته چنان که گفته شد، معرفت به بهترین‌ها، تأثیر فراوانی در میل به بهترین دارد و در کشمکش و تعارض امیال و معرفت‌ها، میلی که جمیع صفات برتری را داشته باشد مورد اراده انسان قرار گرفته و به منصف ظهور می‌رسد.

ج) اراده: اراده را نیز، چونان موارد گذشته، می‌توان به اقسامی تقسیم نمود؛ از جمله تقسیم‌های ذکر شده برای آن، تقسیم به بسیط و مرکب است؛ اراده‌های بی‌واسطه‌ای که برای انجام امور عادی روزمره به کار می‌گیریم، مانند اراده نوشیدن آب و خوردن غذا و... را اراده‌های بسیط، و اراده‌های باواسطه‌ای که رسیدن به آنها، نیازمند اراده‌های پیشین و مقدماتی است، مانند اراده سفر حج که به اراده‌های میانی چون اراده برای گرفتن ویزا و... نیاز دارد، اراده‌های مرکب گویند (ر.ک به: مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۶). از طرفی می‌توان اراده‌ها را به ضعیف و قوی تقسیم نمود و در مواجهه افعال با اراده‌های قوی، کنش انسانی با شدت و قوت بیشتری رخ خواهد داد و امکان تزلزل در آن به حداقل می‌رسد، درحالی که در اراده‌های ضعیف، هر لحظه امکان از بین رفتن آن و انصراف از کنش وجود دارد. البته باید توجه داشت که این مؤلفه‌ها چونان زنجیری به هم پیوسته‌اند که هرکدام متأثر از مؤلفه سابق و مؤثر بر مؤلفه لاحق خواهند بود و طبیعتاً قوت و ضعف اراده‌ها نیز ریشه در نوع معرفت‌های یادشده و بسیاری از موارد دیگر دارند.

د) لذت و الم: افعال و کنش‌های انسانی یا به‌صورت مستقیم، سبب لذت و دفع الم می‌شوند و یا با واسطه، سبب جلب لذت و دفع الم می‌گردند؛ خوردن غذا فعلی است که مستقیم به رفع گرسنگی

کمک می‌کند، لکن اشتغال به کار، غیرمستقیم و به واسطه حقوق دریافتی و هزینه کرد آن، لذت‌هایی را به همراه دارد (ر.ک به: مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۹)؛ بنابراین همه کنش‌های ارادی انسان، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، به دنبال جلب لذایذ و دفع آلام هستند و شناخت صحیح لذت و الم و نوع ارتباط آنها با دیگر مؤلفه‌های حرکت اختیاری انسان، تأثیر بسزایی در نوع کنش ارادی انسان دارد؛ جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان در تعیین لذایذ و آلام او تأثیرگذارند و از طرفی این لذت‌ها و دردهای تعریف‌شده در جهت‌دهی به زندگی انسان، نقش ایفا می‌کنند

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت، ساختار حرکت اختیاری انسان با درک چهار مؤلفه علم، میل، اراده و لذت یا الم و نیز فهم نوع تعاملات این چهار مؤلفه، قابل تبیین است؛ کنش‌های اختیاری انسان علاوه بر اینکه نتیجه برهم کنش چهار مؤلفه یادشده هستند، خود نیز باعث و موجب علوم و امیال و اراده‌ها و لذایذ و آلام دیگری خواهند شد؛ در واقع می‌توان برای کنش‌های اختیاری انسان چرخه‌ای متصور شد که کنش‌های نو، باعث علوم و امیال و... جدیدی شده و آنها نیز کنش‌های جدیدتر و متفاوتی را ایجاد خواهند کرد. البته بایستی توجه داشت که در این چرخه، گاهی عوامل بیرونی نیز مداخله داشته و تأثیر خود را بر ایجاد کنش‌های جدید خواهند داشت. کنش‌های مختلف و فراوان انسان در دوران حیاتش، همواره روی هم انباشته شده و سبب جمع تجارب متنوعی برای او خواهد شد، از این روست که ناچار به سمت طبقه‌بندی معارف، دانش‌ها، علوم و تجارب خود پیش می‌رود و مجموع این تجارب طبقه‌بندی شده در حیطه کنش ارادی انسان، علوم انسانی را تشکیل می‌دهند که هرکدام برای تأثیرگذاری بر مخاطبی و برای دستیابی به اهدافی خلق و ایجاد شده‌اند.

۳. تقسیم علوم انباشته شده و تشکیل علوم انسانی

انباشت علوم و تجارب انسان و تفاوت‌هایی که در نوع یادگیری‌های او وجود دارد، سبب تقسیم علوم شده و حیطه‌بندی‌های انجام شده برای این علوم، ناشی از تفاوت در اهداف این تجارب انباشته شده هستند که علوم انسانی طیفی از این علوم دسته‌بندی شده‌اند. از طرفی باید توجه داشت که هر علمی از علوم انسانی به بُعدی از ابعاد انسان می‌پردازد.

۳.۱. لزوم تقسیم و طبقه‌بندی علوم

انسان در برخورد با انبوه تجارب انباشته شده خود، چاره‌ای جز تقسیم و دسته‌بندی آنها به‌عنوان علمی با قابلیت استفاده و بهره‌برداری را ندارد (ر.ک به: الشهرزوری، ۱۳۸۳: ۵۲-۲۲) و این تقسیم‌بندی، هم‌زمان با رشد علوم، ادامه یافته و علوم مصطلح جدیدی با دسته‌بندی تجارب پیشین را ایجاد می‌کند. انگیزه‌های مختلفی می‌توان برای احساس ضرورت این تقسیم‌بندی برشمرد که برخی از آنها بدین شرح است:

۱. گسترده‌گی مسائل علوم و نیاز به نظم‌بخشی به مطالب؛

۲. وجود ارتباط یا عدم ارتباط در بین مسائل علوم؛

۳. توقف یادگیری بعضی علوم بر بعضی دیگر؛

۴. عدم امکان فراگیری همه علوم برای یک فرد؛

۵. اختلاف در استعدادها و انگیزه‌ها؛

۶. بهینه‌سازی تعلیم و تربیت (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۷۱-۷۰).

تقسیم‌بندی علوم، پس از ضرورت‌سنجی و احساس نیاز برای تقسیم، نیازمند ملاک و معیاری است تا بر اساس آنها، دسته‌بندی علوم را آغاز نمود؛ برخی از این معیارها از این قرار است: ۱. بر اساس اسلوب و روش تحقیق؛ ۲. بر اساس هدف و غایت؛ ۳. بر اساس موضوع. شاید بتوان بهترین ملاک برای تقسیم‌بندی یادشده از علوم را تقسیم بر اساس موضوع دانست و با این ملاک، می‌توان هدف و انگیزه جداسازی علوم را تأمین نموده و ارتباط و هماهنگی درونی مسائل و نظم و ترتیب آنها را بهتر حفظ نمود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۷۷-۷۶)؛ لکن همه ملاک‌های یادشده به‌دنبال ایجاد مرزبندی میان شناخت‌ها و تجارب گذشته هستند تا رسیدن آموزش به مقصد با راحتی بیشتری همراه باشد؛ از این رو انشعاب علوم می‌تواند با خرد کردن موضوع، یا محدود نمودن گستره آن و یا بر اساس اختلاف در روش‌ها یا اهداف حاصل شود (همان: ۷۹-۷۸). البته باید توجه داشت که هر انشعاب و تقسیمی، خود سبب تمرکز بر منشعب شده‌ها و رشد و پیشرفت آنها شده و این تمرکز، سبب تکامل گام‌به‌گام آنها خواهد شد.

۳.۲. ماهیت هر کدام از علوم انسانی

شاخه‌های مختلف علوم انسانی، نتیجه عرضه اقسام مختلف شناخت‌های حاصل از تجارب انسان هستند که با هدف انتقال تجارب مدون شده (علوم مصطلح) و به‌منظور تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های کنش اختیاری انسان، شکل گرفته‌اند؛ از این‌رو هر رشته‌ای از علوم انسانی از جهت منشأ، تدوین و غایت، با ساختار کنش انسان در ارتباط است. شاخه‌های مختلف علوم انسانی در راستای پاسخ به نیازهای مختلف و متنوع انسان و برای رفع مشکلات او و یا کمک به تعالی بشر شکل گرفته‌اند؛ این شناخت‌ها با تأثیرگذاری در امیال انسان، به کنش‌های انسان صورت داده و برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده آن شاخه از علوم، شکل گرفته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷: ۱۲۳؛ زرشناس، ۱۳۹۷: ۷، ۲۰ و ۲۳؛ شریفی، ۱۳۹۳: ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۱۵؛ خسروپناه و پارسانیا، ۱۳۹۲: ۹، ۱۱، ۲۲، ۴۰، ۴۴ و ۵۵؛ میشل فوکو، ۱۳۹۳: ۵۷۶؛ گل‌محمدی و کمالی، ۱۳۹۴: ۵۹۶، ۶۰۳-۶۰۰؛ آریایی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۵۱؛ خسروپناه، ۱۳۹۹).

براین‌اساس، انسان با کنشی اختیاری، طیفی از تجارب را به‌عنوان یک علم، حیطه‌بندی نموده و محتوای حاصل شده در آن علم را برای تأثیرگذاری در مؤلفه‌های کنش ارادی انسان، مهیا می‌نماید. در واقع هر علمی درصدد تکمیل یا تصحیح معرفت‌ها، ایجاد یا تقویت امیال مثبت یا رفع انگیزه‌های منفی، آموزش شیوه‌های بهینه‌سازی رفتارهای متناسب با آن علم و در راستای دستیابی به لذا اید و دفع آلام است؛ به عبارتی دیگر، تمام بخش‌ها، فصول و دروس یک رشته از علوم انسانی، ارتباطی تنگاتنگ با مؤلفه‌های کنش ارادی انسان داشته و در حرکتی متعالیه، تعالی یافته و تعالی‌بخش خواهند بود.

۴. برخی مصادیق علوم انسانی

مؤلفه‌های کنش ارادی انسان را می‌توان به‌عنوان تار و پود علوم انسانی در تبیین ساحت‌های وجودی او، برای استفاده از تجارب انباشته شده دانست؛ برای روشن‌تر شدن این قضیه و بیان ارتباط ساختار کنش ارادی و علوم انسانی، در ادامه، به توضیح برخی از مصادیق این علوم پرداخته خواهد شد؛ البته باید توجه داشت که هر کدام از علوم انسانی، زمینه‌های تحقق جداگانه‌ای دارند و در این بخش تنها به ساختار کنش ارادی انسان توجه می‌شود.

۱.۴. روان‌شناسی

روان‌شناسی علم مطالعه «رفتار»، «احساسات»، «انگیزه‌ها» و «فرایندهای شناختی» است و هدف آن، فهم رفتار، عواطف و شناخت‌های انسان، توصیف علمی آنها و تبیین زمینه‌ها و علل آن و درنهایت، اصلاح، هدایت و رشد این ابعاد سه‌گانه در انسان است (سالاری‌فر، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹). مهم‌ترین مسائلی که این علم دنبال می‌کند عبارت‌اند از: روش‌های شناخت روان انسان، رشد و تحول انسان، یادگیری، انگیزش و هیجان، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی بیمار و روان‌درمانگری. به عبارتی، با بهره‌گیری از این علم، انسان توان شناخت خویش و موفقیت در ساختن زندگی سالم‌تری برای خود را خواهد داشت (همان: ۱۵). با این بیان می‌توان گفت، علم روان‌شناسی، از طرفی مسئول مطالعه و شناخت مؤلفه‌های حرکت اختیاری انسان بوده و راه‌های معرفت به میل، اراده، لذت و الم واقعی و نیز تقویت این امور در انسان را بررسی می‌کند و از سویی دیگر متأثر از همین مؤلفه‌ها خواهد بود؛ معرفت انسان به این علم، اراده انسان در بررسی این مسائل، امیال شکل‌گرفته از نیاز به این علوم و لذایذ و آلامی که انسان در مسیر معرفت و کشف این دسته از علوم دنبال می‌کند، برخی از تأثیرهایی است که مؤلفه‌های ساختار کنش ارادی انسان بر روان‌شناسی می‌تواند داشته باشد.

۲.۴. مدیریت

مدیریت، فرایند به‌کارگیری مؤثر منابع انسانی و امکانات مادی، برای تحقق اهداف سازمانی است و این فرایند به واسطه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و کنترل، عملیاتی می‌شود (توکلی، ۱۳۸۳: ۱۶). برنامه‌ریزی به معنای اندیشیدن در باب هدف‌ها و اقدامات لازم برای رسیدن به آن هدف‌ها و آماده شدن برای استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهاست که توسط مدیران صورت می‌گیرد. سازمان‌دهی نیز فرایند تنظیم و تخصیص فعالیت‌ها و اختیارات و منابع میان اعضای سازمان و ایجاد هماهنگی میان آنها برای رسیدن به اهداف سازمان است. رهبری در سازمان به معنای اعمال نفوذ بر کارکنان، برای برانگیختن آنها به فعالیت در راستای تحقق اهداف سازمان بوده که این اعمال نفوذ، با بهره‌گیری از منابع قدرت و با شناخت انگیزه‌های کارکنان،

امکان‌پذیر خواهد بود. کنترل در مدیریت نیز به معنای تنظیم کلی فعالیت‌های سازمان است که عملکرد واقعی آن، مطابق با معیارها و اهداف از پیش تعیین‌شده باشد (همان: ۱۷-۱۸).

فرایند مدیریت در سطوح مختلف مدیریتی با شدت و ضعف‌هایی همراه است و توجه در هر سطح به برخی از مؤلفه‌های این فرایند بیشتر و به برخی کمتر است؛ مدیران عالی توجه بیشتری به مهارت ادراکی (درک سازمان و پیچیدگی آن و تأثیر هر جزء در کل آن) دارند و مدیران عملیاتی بیشتر بر روی مهارت‌های فنی (دانش و فنون، با آموزش و تجربه) تمرکز دارند؛ این در حالی است که همه سطوح مدیران (عالی، میانی و عملیاتی) به یک اندازه به مهارت توانایی درک افراد، انگیزه‌ها و نیازها و به‌کارگیری در جهت اهداف سازمان نیاز دارند؛ زیرا همه آنها با منابع انسانی در تماس هستند و بایستی به فنون و روش‌های برخورد با کارکنان، آگاهی داشته و آنها را برای تحقق اهداف سازمان بسیج نمایند (همان: ۲۲).

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان گفت در واقع مدیریت، نگاهی سازمانی و هدفمند است که به دنبال شناخت اهداف، امکانات، منابع انسانی و انگیزه‌های آنهاست تا با بهره‌گیری از منابع قدرت، انگیزه‌های موجود را به سمت دستیابی به اهداف سازمان، هدایت نماید؛ بدیهی است که این امر وابستگی فراوانی به شناخت مؤلفه‌های کنش ارادی انسان دارد و علم، میل، اراده و لذت و الم در فرایند مدیریت کاملاً دخالت دارد. به عبارتی دیگر، شناخت‌هایی که از آنها نام برده شد و لازمه مدیریت مدیر است، امیالی که از منابع انسانی باید شناخته شود و امیالی که باید برای رسیدن به اهداف سازمان جهت داده شود، اراده‌هایی که باید تقویت شود و ضعف‌های آنها برطرف شود و در نهایت تشریح لذایدی که در رسیدن به اهداف و منافع وجود دارد و دفع مضرات و آلامی که در مسیر رسیدن به اهداف، سازمان با آنها مواجه است، همگی از ارکان کنش ارادی هستند که توجه به آنها در علم مدیریت می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

۳.۴. تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت به دنبال انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها، شکوفاسازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است. افعال اختیاری انسان بر سه پایه بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌ها استوار است؛ غالباً تعلیم به

معنای یاری رساندن به دیگران، برای افزایش بینش‌هاست، درحالی‌که تربیت اغلب درباره تقویت گرایش‌ها و توانمندی‌ها و جهت‌دهی به آنهاست.

نظام‌های تعلیم و تربیت معمولاً از مبانی خاصی برخوردارند که بر اساس این مبانی، اهداف، اصول و روش‌های خاصی برای این نظام‌ها تعریف می‌شود. گزاره‌هایی که در ادامه می‌آید را می‌توان برخی از مبانی نظام‌های تعلیم و تربیت دانست که پایه و اساس حرکت آن نظام‌ها قرار گرفته است: «کاستی-هایی در بینش، گرایش و رفتار انسان وجود دارد که بسیاری از آنها را می‌توان مرتفع ساخت»؛ «تعلیم و تربیت، مجموعه اعمالی منظم و تدریجی است که از تولد تا مرگ ادامه دارد»؛ «کار مری در پرورش روحی و معنوی انسان، عموماً فراهم نمودن زمینه‌هاست»؛ «عواملی در جهت‌دهی به افعال انسان مؤثرند، لکن درنهایت، اراده و اختیار انسان است که فعلی خاص را محقق ساخته و مؤلفه‌های علت تامه را تکمیل می‌نماید» (فتحعلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۴-۳).

گرایش‌های انسان نیز متأثر از امور مختلف، قابلیت تقویت و جهت‌دهی را خواهند داشت؛ به‌عنوان نمونه، گرایش‌های جنسی انسان، در صورتی‌که در مسیر صحیح قرار نگیرد، می‌تواند پیامدهای زیان‌باری در این دنیا و دنیای دیگر به همراه داشته باشد؛ توجه بیش از اندازه به گرایش‌های پست نیز چنین است و مانع شکوفایی گرایش‌های والا خواهد شد. از این‌رو انسان تنها از طریق تعلیم و تربیت می‌تواند به کمال حقیقی خود دست یابد؛ زیرا کمال حقیقی‌اش، با کنش ارادی به دست می‌آید و تحقق کنش‌های ارادی انسان در گرو برخوردارگی از بینش، گرایش و توانش است و کاستی‌های این ابعاد سه‌گانه را می‌توان با کمک دیگران برطرف ساخت. از این‌رو تعلیم و تربیت مبتنی بر تغییر تدریجی و ارادی رو به کمال بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌هاست و این مراحل، همگی در حیطه مؤلفه‌های کنش ارادی انسان قابل تبیین هستند.

بنا بر آنچه گذشت می‌توان گفت، تعلیم و تربیت نیز چونان دیگر علوم انسانی، هم مؤثر بر مؤلفه‌های کنش ارادی انسان بوده و هم متأثر از آنها هستند؛ تعلیم و تربیت توان ارتقای دانش‌ها و معرفت‌های انسان را دارد، امکان جهت‌دهی به امیال انسان را نیز دارد، قابلیت تأثیر بر اراده‌های انسان و تقویت آنها نیز از آثار تعلیم و تربیت می‌تواند باشد و حتی می‌تواند لذت‌ها و دردهایی را برای انسان تعریف نماید و این تعاریف، ملاک حرکت انسان در مسیر معین شده در تعلیم و تربیت، قرار گیرد. در طرف مقابل، مؤلفه‌های علم، میل، اراده و لذت و الم نیز می‌توانند مسیر تعلیم و تربیت

را مشخص نموده و به تعلیم و تربیت جهت دهند؛ دانش‌های پیشین انسان و پیش‌فرض‌های او در معرفت و امیال، می‌تواند معیار بسیار قدرتمندی برای تعیین ملاک‌های تعلیم و تربیت و جهت‌دهی به تعلیم و تربیت باشد و نظام‌های تعلیم و تربیت را می‌توان بر پایه آنها بنا نمود. در بحث اراده نیز می‌تواند چنین باشد و اراده، در اختیار نمودن نظام تعلیم و تربیت خاص و در مبنا قرار دادن یک نظام تعلیم و تربیت، مؤثر باشد.

نتیجه

علم، میل، اراده و لذت و الم، چهار ساحت اصلی در کنش ارادی انسان هستند و همه افعال ارادی انسان از «هست علم» و «باید میل» و به قصد جلب لذت و دفع الم از او صادر می‌شود؛ انسان با معرفت به امکان دسترسی به موضوع دلخواه خود، میل به حرکت در او ایجاد شده و با شدت گرفتن این میل و نبود مانع برای آن، فعل او به صورت ارادی بروز می‌یابد. کنش‌های متعدد و مختلف انسان، تجارب متفاوتی را برای او رقم زده که این تجارب، در کنش‌های آتی او تأثیرگذار خواهند بود؛ البته تأثیرپذیری شناخت‌های انسان از عوامل بیرونی، اهمیت آموزش‌ها و متون علمی و رسانه‌های معرفت‌زا در شکل‌دهی به کنش‌های ارادی انسان را روشن می‌نماید.

تجارب برگرفته از کنش‌های ارادی انسان، خمیرمایه شکل‌گیری علوم انسانی خواهند بود؛ در نتیجه انباشت تجارب گوناگون حاصل از کنش‌های ارادی انسان در گذر زمان، احساس نیاز به تقسیم و طبقه‌بندی علوم و تجارب و بهره‌گیری منطقی‌تر از آنها در آینده را به وجود آورده و بر اساس این احساس نیاز، انسان به سمت تقسیم و طبقه‌بندی تجارب خود پیش می‌رود. تقسیم و تدوین این علوم نیز، خود فعلی ارادی است و از طرفی این دانش‌ها و معارف، با قصد تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های کنش ارادی انسان و در مسیر رشد و ارتقای آنها به کار گرفته می‌شوند؛ لذا معرفت به ساختار کنش‌های ارادی انسان، راهی به سمت شناخت ماهیت علوم انسانی است.

موضوع علوم انسانی، شناخت انسان است و شاخه‌های مختلف آن با تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های کنش ارادی انسان، رفتارهای مخاطب خود را به سمت اهداف تعیین‌شده و کمالات پیش‌بینی شده سوق می‌دهند؛ در واقع، شعب مختلف علوم انسانی با ارائه محتوایی از دانش‌های مختلف، حول موضوع آن علم، مسیر توسعه بینش‌ها، تعدیل گرایش‌ها و مدیریت کنش‌های انسان را مهیا

نموده و حرکت انسان برای وصول به اهداف نهایی آن علم را تسهیل می‌نماید. این نوع نگاه به علوم انسانی سبب شناخت زوایای پنهان آنها، سرعت اشراف بر این علوم و افزایش توان نقد این علوم شده و زمینه شکوفایی استعداد‌های انسان در آنها را فراهم ساخته، مسیر دستیابی به قله‌های کمال را برای او مسطح می‌نماید.

به عبارتی دیگر، امور زیر را می‌توان در زمره نتایج معرفت به نسبت میان ساختار کنش ارادی انسان و علوم انسانی دانست:

✓ مسیری نو، میان‌بر، سهل و سریع برای اشراف کلی بر ساختار علوم انسانی به دست خواهد آمد؛
 ✓ شناختی جدید از علوم انسانی به دست داده که در نتیجه آن، زمینه بروز خلاقیت‌ها را مهیا ساخته و توان نقد را ارتقا می‌بخشد؛

✓ ملاک جدیدی برای دسته‌بندی محتوای علوم انسانی در ذیل چهار مؤلفه علم، میل، اراده و لذت و الم ارائه می‌نماید؛

✓ زبان مشترکی برای همه اندیشمندان عالم در حوزه علوم انسانی ایجاد نموده و می‌تواند مبنای مهمی در گفتگوهای میان اندیشمندان با دیدگاه‌های مختلف باشد؛

✓ عامل مهمی در شناخت و ارائه دقیق‌تر اشتراکات و افتراقات آرای اندیشمندان نسبت به علوم انسانی خواهد بود؛

✓ می‌تواند تأکیدی بر افتراق ساحت‌های کنش ارادی انسان در چهار بخش علم، میل، اراده و لذت و الم بوده و نیز لذت و الم را به‌عنوان ساحتی مستقل در کنش ارادی انسان معرفی می‌نماید.

در پایان و به منظور تکمیل، توسعه و یا کاربردی نمودن مطالب ارائه شده، پیشنهاد‌های زیر طرح خواهد شد:

- بررسی و نقد ماهیت هر کدام از شاخه‌های علوم انسانی مبتنی بر رویکرد چهار ساحتی ارائه شده در این مقاله؛
- کنکاش و بررسی دقیق‌تر علم در علوم انسانی، میل در علوم انسانی، اراده در علوم انسانی و لذت و الم در علوم انسانی؛

- پیش‌بینی، طراحی و ایجاد انشعاب‌هایی نو در علوم انسانی، با توجه به تغییرات حاصل شده در زندگی انسان و با نگاهی آینده پژوهانه به نیازهای انسان در ضمن اشراف بر ساختار ارائه شده از علوم انسانی؛
- بازنگری، تکمیل و رفع نواقص موجود در ساختار، محتوا، اهداف و شیوه‌های رایج در علوم انسانی؛
- انجام پژوهش‌هایی برای افزایش کیفیت و سرعت و سهولت یادگیری و فهم علوم انسانی برای دانشجویان و دانش‌پژوهان این حوزه از علوم؛
- راه‌اندازی و تأسیس رشته تخصصی «انسان‌شناسی» و نیز تأسیس پژوهشکده‌ای قوی در همین موضوع، برای تولید و فراوری علوم مربوط به انسان‌شناسی به زبان روز دنیا.

منابع

- ابن‌سینا، شیخ الرئیس (۱۳۶۴)، رساله‌اضحویه، مترجم نامعلوم، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۳)، طبیعیات دانشنامه علائی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۴ق)، التعلیقات، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، بیروت: مکتبه‌الاعلام الاسلامی.
- استرآبادی، محمدتقی (۱۳۵۸)، شرح فصوص‌الحکم، تهران: دانشگاه تهران.
- آریایی‌نیا، مسعود (۱۳۸۸) درآمدی بر علوم انسانی انتقادی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
- توکلی، عبدالله (۱۳۸۳)، اصول و مبانی مدیریت، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ دوم.
- تولایی، روح‌الله و پیام حقیقی بروجنی (مرداد ۱۳۹۸)، راهنمای عملی تبدیل دانش ضمنی به دانش آشکار، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
- الجامی، عبدالرحمن (۱۳۵۸)، الدرّة الفاخرة، به اهتمام نیکولاهیر و علی موسوی بهبهانی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۶۰)، شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن، قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵)، تکاپوی اندیشه‌ها (مصاحبه‌های علامه محمدتقی جعفری علیه السلام)، تدوین: علی رافعی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- چکیده مقالات همایش بین‌المللی علوم انسانی در ایران (۱۳۸۹)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
- حسنی، سید حمیدرضا و هادی موسوی (۱۳۹۶)، «انسان‌کنش» شناسی حکیمان پیشا صدرايي، ظرفیت‌شناسی مبانی انسان‌شناختی ابن‌سینا و ابن‌مسکویه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- _____ (۱۳۹۷) «انسان کنش» شناسی صدرایی، به‌مثابه ظرفیت‌شناسی مبانی انسان‌شناختی صدرالمثالیهین برای علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۴۰۰)، انسان کنش شناسی اعتباری به‌مثابه ظرفیت‌شناسی مبانی انسان‌شناختی علامه طباطبایی و عالمان علم اصول برای علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۰)، انسان کنش شناسی پسامدرنیته، مبانی انسان‌شناختی اندیشه اجتماعی معاصر در دیدگاه آنتونی گیدنز و جان سرل، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ حسینی اردکانی، احمد بن محمد (۱۳۷۵)، مرآت الاکوان (شرح هدایه ملاصدرا)، تهران: میراث مکتوب.
- _____ خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی معرفت شناختی علوم انسانی (نسبیت‌گرایی آسیب بنیادین علوم انسانی)، کتاب نقد، شماره ۵۵.
- _____ (۱۳۹۹)، چیستی فلسفه علوم انسانی، فصلنامه پژوهشی آینه معرفت، سال ۱۰، شماره ۳۹.
- _____ خسروپناه عبدالحسین (۱۳۹۲)، در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی: تحلیل نظریه‌های علم دینی و آزمون الگوی حکمی-اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی، جلد اول، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، چاپ سوم.
- _____ خسروپناه عبدالحسین و حمید پارسانیا (۱۳۹۲)، تولید و تکوین علوم انسانی اسلامی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- _____ خندان، علی اصغر (۱۳۸۸)، درآمدی بر علوم انسانی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- _____ الخواجه نصیرالدین الطوسی (۱۳۴۱)، کلمات المحققین، قم: بی‌نا، چاپ دوم.
- _____ خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸)، علوم انسانی و ماهیت تمدن‌سازی آن، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- _____ دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم (۱۳۸۴)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی (دفتر اول)، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- _____ رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۶)، واقعیت و روش تبیین «کنش انسانی» در چهارچوب فلسفه اسلامی، تهران: آفتاب توسعه ناشر اختصاصی مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی (صدرا).
- _____ زاهد، سید سعید (۱۳۹۹)، «نقد کتاب واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی، نظریه‌ای بنیادین در علوم انسانی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) سال بیستم، شماره دوازدهم.
- _____ زرشناس، شهریار (۱۳۹۵)، کاوشی در چیستی علوم انسانی مدرن، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.

- _____ (۱۳۹۷)، *علوم انسانی در ترازوی نقد*، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام، به اهتمام مؤسسه علمی- فرهنگی سدید، چاپ دوم.
- _____ ژولین، فروند (۱۳۸۷)، *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*، مترجم: علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم.
- _____ سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۲)، *آشنائی با روانشناسی*، قم: نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران)، چاپ هشتم.
- _____ شریفی، احمد حسین (۱۳۹۳)، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران: آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا).
- _____ الشهرزوری، شمس‌الدین (۱۳۸۳)، *رسائل الشجره الالهیه فی علوم الحقایق الربانیه*، مقدمه و تصحیح و تحقیق: نجفقلی حبیبی، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- _____ شیرازی، قطب‌الدین (۱۳۶۹)، *دره التاج*، تصحیح: سید محمد مشکوه، تهران: انتشارات حکمت، چاپ سوم.
- _____ صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۰۲ ه ق)، *مجموعه الرسائل التسعه*، تهران: بی‌نا.
- _____ (۱۳۸۰)، *ترجمه و شرح بخش نخست مبدا و معاد صدر المتألهین شیرازی*، محقق و مترجم: محمد ذبیحی، دانشگاه قم، انتشارات اشراق.
- _____ (۱۳۸۴)، *تحریر الأسفار*، شارح: علی شیروانی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ دوم.
- _____ (۱۹۸۱ م)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، دار احیاء التراث، بیروت: چاپ سوم.
- _____ (بی‌تا)، *الحاشیه علی الهیات الشفاء*، قم: انتشارات بیدار.
- _____ فاضلی، نعمت‌الله و سردار فتوحی (۱۳۹۷)، «بررسی فرایند تاریخی تثبیت علوم انسانی در ایران»، فصلنامه پژوهشی و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۴، ش ۲.
- _____ فخرالدین الرازی (۱۳۷۳)، *شرح عیون الحکمه*، مقدمه و تحقیق: محمدعلی حجازی و احمدعلی سقا، تهران: مؤسسه الصادق.
- _____ گروهی از نویسندگان (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر: علامه محمدتقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- _____ گل‌محمدی، احمد و جلال کمالی اردکانی (۱۳۹۴)، *مجموعه مقالات بومی‌سازی علوم انسانی در ایران*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- _____ محقق سبزواری (۱۳۸۳)، *انرار الحکم*، قم: مطبوعات دینی.
- _____ محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)، *مبانی شناخت*، قم: موسسه دار الحدیث، چاپ دوم.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*، ویرایش: محمود پاک روان، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ دهم.
- _____ (۱۳۹۱)، *رستارین دادخواهی و روشنگری*، شرح خطبه حضرت زهراى مرضیه علیها السلام معروف به خطبه فدکیه، تدوین و نگارش، عباس گرایى، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۳)، *رابطه علم و دین، تحقیق علی مصباح*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ دوم.
- _____ (۱۳۹۴)، *حکیمانانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه*، تحقیق و نگارش: قاسم شبان‌نیا، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۸)، *انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین: محمود فتحعلی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ ششم.
- _____ (۱۳۸۹)، *درباره پژوهش، تحقیق: جواد عابدینی*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ پنجم.
- _____ (۱۳۹۴)، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، تحقیق و نگارش: غلامرضا متقی‌فر، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ پنجم.
- _____ (۱۳۹۷)، *مباحثی درباره حوزه*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ هفتم.
- _____ (۱۳۸۳)، *آموزش فلسفه*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۶)، *خودشناسی برای خودسازی*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ سیزدهم.
- _____ (۱۳۹۱)، *معارف قرآن*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۴)، *به‌سوی خودسازی*، نگارش: کریم سبحانی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۹)، *گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی*، قم: مؤسسه فجر ولایت، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۹۳)، *نظم اشیا، دیرینه‌شناسی علوم انسانی*، ترجمه یحیی امامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۹)، *روش تحقیق کتابخانه‌ای با تأکید بر علوم اسلامی*، قم: انتشارات اشراق دانشگاه قم.
- _____ (۱۳۹۹)، *ماجرای فکر آوینی*، قم: دفتر نشر معارف نهاد نمایندگی، چاپ ۲۲.